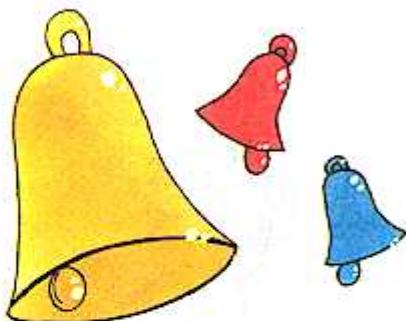


ز

ز مثل: زنگوله

بک زنگوله ارزوی
زندگانی خود وقتی ندارد

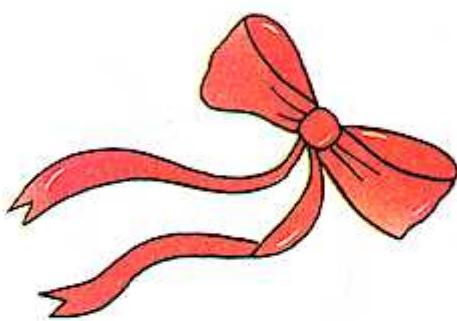


ز ز ز ز ز ز ز ز

ر

ر مثل: روبان

روبان سرخ رنگی
با روسربی و دامن
هادر خرد برایم
روز تسلیم من



ر ر ر ر ر ر ر ر



ژ

ژ مثل: ژاکت

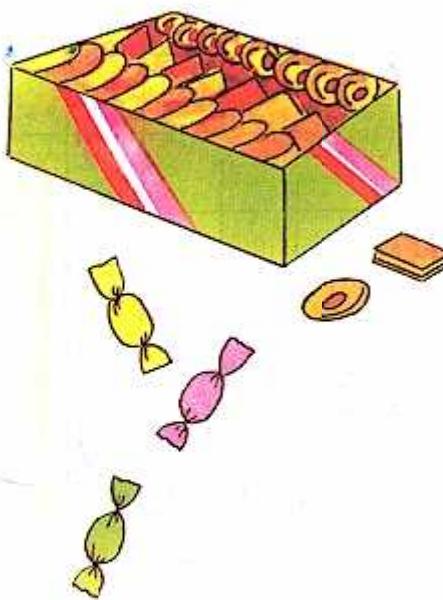
ژاکتی بسافت
مادر مزیان
دگمهای آن
شکل بروانه است

ا-ب-پ-ت-ث-ج-چ-ح-خ-د-ذ-ر-ز-ژ-س-ش
ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ی

ش

ش مثل: شکلات

شکلات و شیرینی دشمن دندان است
دشمن دیگر هم توی آن قندان است

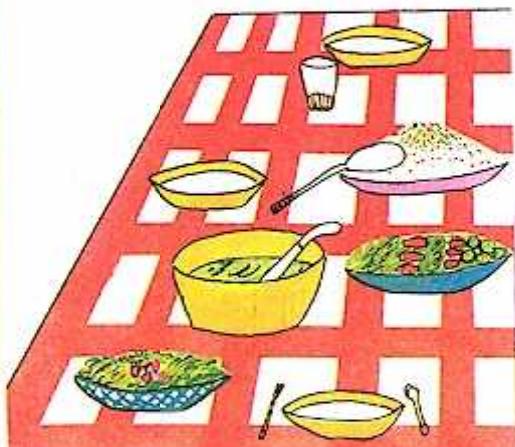


ش ش ش ش ش ش ش ش
ش ش ش ش ش ش ش ش

س

س مثل: سفره

салاد و سبزی و ماست زیست سفره ماست
سفره ما چه زیبات است
با سالاد و با سبزی



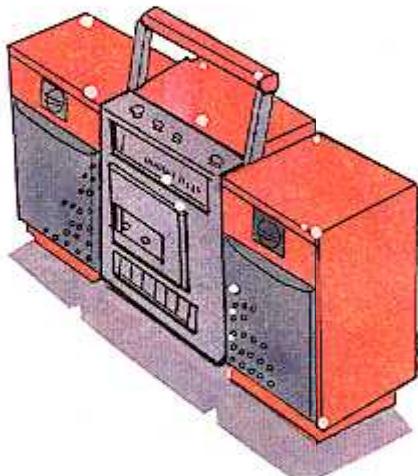
س س س س س س س س
س س س س س س س س

ا-ب-پ-ت-ث-ج-ج-ح-خ-د-ذ-ر-ز-ڑ-س-ش
ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ھ-ی

ض

ض مثل: ضبط صوت

رضا مريض است ضعيف و خسته
جون ضبط صوتش دیروز شکسته



ض ض ض ض ض ض
ض ض ض ض ض ض

ص

ص مثل: صابون

مسواک مخصوص یک قالب صابون
مال من تنهاست با خمیردن دون



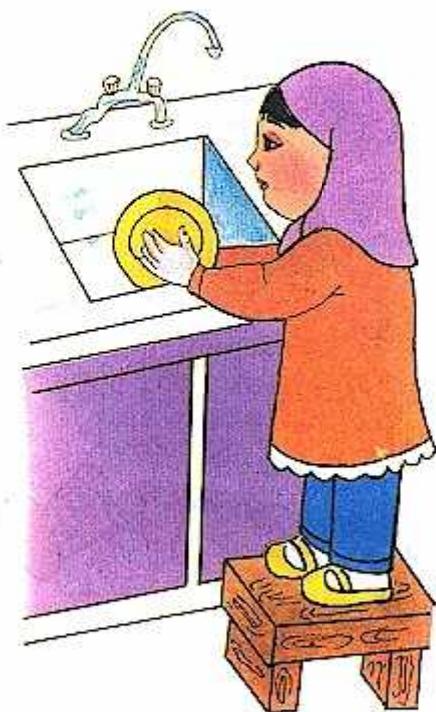
ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص

ا-ب-پ-ت-ث-ج-ج-ح-خ-د-ذ-ر-ز-س-ش
ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ی

ظ

ظ مثل: ظرف

ظهرها بعد از ناهار ظرفها سهیم من است
تای برم آنها را تا بشویم با دست



ظ ظ ظ ظ ظ ظ

ط

ط مثل: طوطی

دروی طناب حیاط طوطی سبزی نشست
من هم دویدم آن وقت بطربی شربت شکست



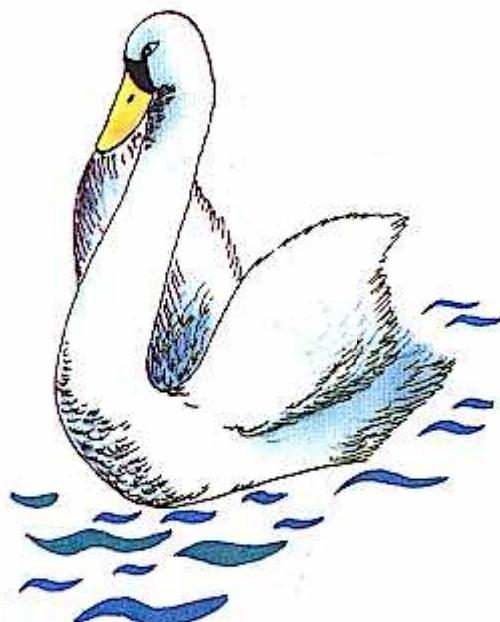
ط ط ط ط ط ط

ا-ب-پ-ت-ث-ج-ج-ح-خ-د-ذ-ر-ز-ڑ-س-ش
ص-ض-ظ-ط-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ھ-ی

غ

غ مثل: غاز

غازها غواصند	توی آب مرداب
همگی وقت غروب	مسپولند توی آب



غ غ غ غ غ غ غ غ

ع

ع مثل: عروسک

عروسک می بیند	بسی عینک هر جا را
می بیند بسی عینک	یک عقرب در صحرا



ع ع ع ع ع ع ع ع

ا-ب-پ-ت-ث-ج-ج-ح-ح-د-ذ-ر-ز-ژ-س-ش
ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ی

ق

ق مثل: قوری

چند دوست خوبند قاشق و بشقاب
قوری و قندان بالیوان آب

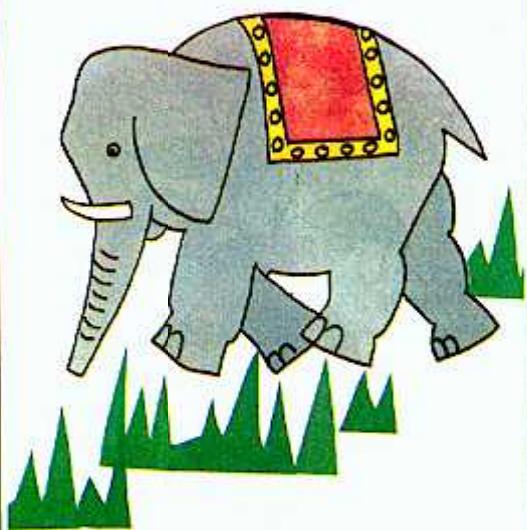


ق ق ق ق ق ق ق ق

ف

ف مثل: فیل

ما دوتا هستیم چون فیل و فنجان
دوست دارم بآشم قد تو مادر جان



ف ف ف ف ف ف ف ف

ا-ب-پ-ت-ث-ج-ج-ح-خ-د-ذ-ر-ز-ڑ-س-ش
ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ھ-ی

گ

گ مثل: گلدان

گربه آرام برید
روی گلپای قشنگ
همه گلها پژمرد
گربه شد رنگارنگ



گ گ گ گ گ گ گ گ
گ گ گ گ گ گ گ گ

ک

ک مثل: کیک

کبک نولد من شکل کبوتری بود
برواز کرد کیکم در اسمان کبود



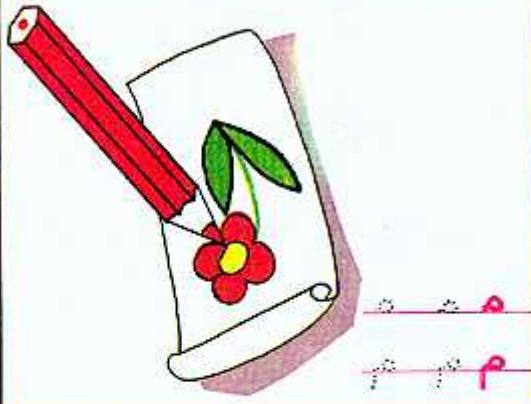
ک ک ک ک ک ک ک ک
ک گ گ گ گ گ گ گ

ا-ب-پ-ت-ث-ج-ج-ح-خ-د-ذ-ر-ز-ڑ-س-ش
ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ھ-ی

م

م مثل: مداد

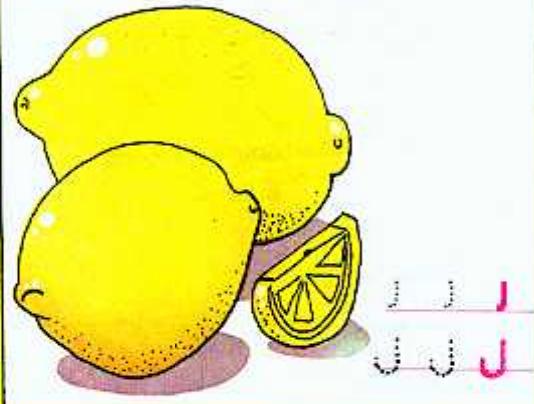
مداد فرم من همیشه روی صیز است
چه زیبا می کشد گل چه خوش رنگ و تمیز است



ل

ل مثل: لیمو

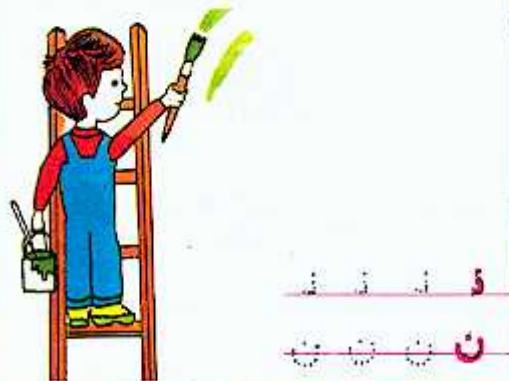
با پول توجیس هی خرم یک دفتر
لیمویی می کشم بله لوی کبوتو



ن

ن مثل: نرده بان

ندرم می سازد نرده بان و میز و در
با تن خشک درخت نرده می سازد پدر



ا-ب-پ-ت-ث-ج-ج-ح-خ-د-ذ-ر-ز-ژ-س-ش
ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ی

4

۵ مثلى: هوائيما

**میں یک ہدھد
میں برسی با چی؟**



魚 烹 魚 烹 魚 + □
魚 烹 魚 烹 魚 □ □

9

۹ مثال: ورزش

ورزش می‌کنیم
با هم همیشه
با ورزش کسی
خسته نمی‌شیم



Digitized by srujanika@gmail.com



1000 Essential Words for 5th Grade

५

ی مثلاً کتابی شاد

بک کتاب شاد	خریده بابا
از پر می کنم	تمام آنرا

ا-ب-پ-ت-ث-ج-چ-ح-خ-د-ذ-ر-ز-ڙ-س-ش
ص-ض-ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ي